

تحریر نا پذیر قرآن

آیت الله محمد هادی معرفت

ترجمه
علی نصیری

تهران
۱۳۹۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مؤلف
۳	مقدمه مترجم
۱۴	پیشگفتار
۱۹	فصل اول: تحریف در لغت و اصطلاح
۱۹	تحریف در لغت
۲۲	تحریف در اصطلاح
۲۶	قرآن و واژه تحریف
۲۸	پندار نسخ تلاوت
۳۸	مسئله انساء
۴۰	فصل دوم: خلاصه دلایل بطلان شبهه تحریف
۴۰	۱. گواهی تاریخ
۴۲	۲. ضرورت تواتر قرآن
۴۴	۳. جنبه اعجاز
۴۷	۴. آیه حفظ
۵۳	۵. نفی باطل از قرآن
۵۵	۶. عرضه روایات بر قرآن
۵۷	۷. نصوص اهل بیت (ع)
۶۳	فصل سوم: تصریحات بزرگان شیعه
۶۴	۱. شیخ صدوق
۶۵	۲. شیخ مفید
۶۶	۳. سید مرتضی
۶۷	۴. شیخ طوسی

صفحه	عنوان
۶۸	۵. مرحوم طبرسی
۶۸	۶. علامه حلی
۶۸	۷. محقق اردبیلی
۶۹	۸. شیخ جعفر کاشف الغطاء
۷۱	۹. شیخ محمدحسین کاشف الغطاء
۷۲	۱۰. شیخ بهایی
۷۲	۱۱. فیض کاشانی
۷۴	۱۲. شیخ حر عاملی
۷۴	۱۳. محقق تبریزی
۷۵	۱۴. حجت بلاغی
۷۶	۱۵. محقق بغدادی
۷۷	۱۶. محقق کرکی
۷۸	۱۷. سید شرف‌الدین عاملی
۷۹	۱۸. سید محسن امین
۷۹	۱۹. علامه امینی
۸۰	۲۰. علامه طباطبایی
۸۱	۲۱. امام خمینی
۸۳	۲۲. آیت‌الله خویی
۸۵	فصل چهارم: گواهی صاحب‌نظران اهل سنت
۸۵	۱. ابوالحسن اشعری
۸۷	۲. رحمة‌الله هندی
۸۸	۳. دکتر محمد عبدالله دراز
۸۹	۴. شیخ محمد محمد مدنی
۹۸	گرافه گویی خاورشناسان
۱۰۴	گرداندن گفتار بزرگان
۱۰۸	نقل حدیث نمی‌تواند نشانگر عقیده ناقل آن باشد
۱۰۹	نسبتی ناروا به مرحوم کلینی
۱۱۰	در کافی جایی برای شبهه نیست

صفحه	عنوان
۱۱۳	فصل پنجم: روش اخباریان تندرو در سده‌های اخیر
۱۱۶	سادگی فاجعه‌آمیز
۱۱۸	غوغایی که کتاب فصل الخطاب بر پا کرد
۱۲۲	عقب‌نشینی یا در لفافه سخن گفتن
۱۲۴	فصل ششم: تحریف در کتب عهدین
۱۲۴	مقصود از وقوع تحریف در کتب عهدین چیست؟
۱۲۶	تحریف در بشارت‌های تورات و انجیل
۱۳۰	تحریف با واژگون کردن لهجه
۱۳۲	تحریف در سه گانه پرستی
۱۳۴	نگاهی گذرا به تاریخ عهدین
۱۳۵	عهد قدیم
۱۳۷	تورات منسوب به موسی
۱۳۸	آیا پس از این دوره به تورات واقعی دست یافتند؟
۱۴۰	پایان کار کتاب شریعت یهود
۱۴۰	فاجعه بخت نصر
۱۴۲	آیا تورات مجدداً پدیدار شد؟
۱۴۳	عزرا محتویات تورات را از کجا گرد آورد؟
۱۴۴	حادثه امپراطور انطوخیوس
۱۴۵	سلسله اسناد تورات بریده شده است
۱۴۶	داستان اناجیل اربعه
۱۴۸	سرانجام انجیلی که بر مسیح نازل شد
۱۵۰	بررسی مسئله تشابه رخدادها در گذشته و حال
۱۵۵	فصل هفتم: تحریف نزد فرقه حشویه عامه
۱۵۷	۱. آیه رجم
۱۵۹	۲. آیه رغبت
۱۵۹	۳. آیه جهاد
۱۶۰	۴. آیه فراش
۱۶۱	۵. قرآن ۱۰۲۷۰۰۰ حرف است

صفحه	عنوان
۱۶۱	۶. بسیاری از آیات قرآن حذف شده است
۱۶۲	۷. قرآن با شهادت حاملان آن در روز یمامه، از بین رفته است
۱۶۲	۸. زیادی موجود در مصحف عایشه
۱۶۳	۹. آیه رضعات را حیوان خانگی خورده است
۱۶۴	۱۰. دو آیه از سوره بینه
۱۶۶	۱۱. دو آیه که در مصحف نگاشته نشد
۱۶۷	۱۲. سوره‌ای که همسنگ برائت یا شبیه مسبحات است
۱۶۸	۱۳. سوره احزاب از سوره بقره طولانی‌تر بوده است
۱۶۹	۱۴. دو دعای قنوت
۱۷۰	۱۵. از سوره برائت فقط یک چهارم آن باقی مانده است
۱۷۲	۱۶. جابه‌جایی یک کلمه
۱۷۲	۱۷. افزایش یک کلمه
۱۷۳	۱۸. افزایش یک حرف
۱۷۳	۱۹. جابه‌جایی حرف
۱۷۴	۲۰. تغییر در ساختار کلمه
۱۷۵	۲۱. خطا در اجتهاد
۱۷۵	۲۲. اجتهاد در مقابل نص
۱۷۶	۲۳. گمان نادرست
۱۷۸	۲۴. چهار حرف در قرآن به خطا آمده است
۱۸۵	۲۵. سوره ساختگی ولایت
۱۹۰	۲۶. فاجعه کتاب الفرقان
۱۹۴	فصل هشتم: تحریف نزد فرقه اخباریان
۲۰۴	پندارهای نویسنده فصل الخطاب
۲۱۵	مهم‌ترین دلیل قول به تحریف
۲۱۶	کتابهای غیر معتبر مورد استناد محدث نوری
۲۲۹	هفت دسته روایات مورد استناد محدث نوری
۲۷۴	منابع و مآخذ

مقدمه مؤلف

دفاع از کرامت قرآن از اساسی‌ترین وظایف دینی هر فرد مسلمان به ویژه داعیان اسلام و سنگرداران حریم مقدس شریعت است. از دیر زمان دشمنان اسلام، قرآن را هدف گرفته و به هر وسیله ممکن در هتک حریم مقدس آن کوشیده‌اند. از جمله وسایلی که در این زمینه به کار می‌رود، القای شبهه تحریف این کتاب عزیز است، که دشمنان زیرک از بیرون و دوستان نابخرد از درون، دست در دست هم نهاده دوشادوش هم در این راستا قدم برمی‌دارند. غافل از آنکه قرآن عظیم در کنف حمایت قدرت مطلقه الهی قرار دارد و از هر گزندى در امان است. «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱.

از روز نخست، شبهه تحریف از طرف دشمنان دانا و دوستان نادان مطرح بوده و همواره دستاویز فریب‌خوردگان قرار گرفته و آثاری از گذشتگان در کتابهای حدیثی که منشأ این شبهه است ثبت و ضبط گردیده است، که از نظر محققان فاقد اعتبار است. گرچه برخی از روی جهل آن را دستاویز قرار داده و در قرون اخیر نوشته‌هایی در این زمینه تلفیق کرده‌اند؛ و امروزه آن نوشته‌های فاقد ارزش، وسیله کوبیدن اسلام و شکستن و کاستن از کرامت قرآن به دست دشمنان ضربه خورده از اسلام گردیده است.

در مقابل، عده‌ای از نویسندگان متعهد، بر خود واجب و لازم دانسته که در مقام دفاع برآیند و از حریم کرامت قرآن حراست نمایند. نگارنده خواسته است در این مبارزه مقدس سهمی داشته باشد، لذا با کوشش و جدیت فراوان، کتابی به نام *صيانة القرآن من التحريف* نگاشته، و در شیوع دفاع و حتی نام آن از استاد گرانقدر خود مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی -

طاب ثراه - پیروی و از نور هدایت او اقتباس کرده است. این کتاب تا حدودی مورد قبول فضلا و دانش‌پژوهان قرار گرفت و جای خود را در حوزه‌های علمی باز نمود. از جمله مورد توجه برخی فضلاء صاحب قلم قرار گرفت و آنان درصدد ترجمه آن به فارسی برآمدند که یکی از شایسته‌ترین آنان دانش‌پژوه توانا حجة‌الاسلام آقای حاج شیخ علی نصیری است که از ستاره‌های درخشان حوزه علمیه مشهد مقدس رضوی است. تلاش مداوم ایشان در این راه قابل تقدیر است. ایشان ترجمه‌ای شیوا و رسا به حوزه‌های علمی عرضه داشت که جای ستایش دارد. امیدوارم این طلعه دفاع مقدس وی از دین و قرآن، سرآغاز رشته‌ای از مبادرت‌های پی در پی ایشان قرار گیرد، و در آینده نزدیک، موقعیت و جایگاه علمی و جهادی خود را فروزان‌تر سازد. وفقه‌الله تعالی لمرضاته. انه تعالی خیر موفق و معین. آمین رب العالمین.

مشهد مقدس - محمدهادی معرفت

۱ / رجب الأصبّ / ۱۴۱۸.

۱۱ / ۸ / ۱۳۷۶.

مقدمه مترجم

مفهوم تحریف و انواع آن

تحریف که در لغت به معنای کژ کردن و تبدیل و تغییر دادن کلام از وضع و طرز و حالت اصلی^۱ آمده است کنشی ارادی و آگاهانه است که از طرف باطل کیشان برای مقابله با حق مداران به دو گونه انجام می‌پذیرد:

۱. تحریف در ساختار گفتار (تحریف لفظی)؛ که خود بر سه نوع است:

الف) تحریف به کاستی؛ به این معنا که بخشی از کلام که معنای مطلوب صاحب گفتار به آن بسته است حذف گردد. حذف بشارتهای پیامبران پیشین نسبت به ظهور پیامبر اسلام (ص) که در تورات و انجیل انجام یافته، از این قبیل است.

ب) تحریف به فزونی؛ به این معنا که واژه یا ترکیبی از واژگان بر گفتار افزوده شود به گونه‌ای که گفتار از بستر بایسته خود منحرف گردد. ادعای افزوده شدن مطالبی ناروا از قبیل نسبتهای گناهان کبیره به پیامبران، در کتب عهدین از جمله نمونه‌های این نوع تحریف است.

ج) تغییر دادن ساختار واژگان به گونه‌ای که واژه معنایی غیر از آنچه صاحب گفتار قصد کرده است، به دست دهد. تغییر واژه پیرکلوطوس به پیراکلی طوس^۲ از این قبیل می‌باشد.

۲. تحریف در محتوای گفتار (تحریف معنوی)؛ مقصود این است که محرف بی‌آنکه

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۰۳۷.

۲. «پیرکلوطوس» به معنای ستوده است که با واژه احمد و محمد برابر می‌باشد، در حالی که «پیراکلی طوس» به معنای تسلی‌دهنده است؛ از آنجا که واژه نخست در متن اصلی انجیل، بشارت‌دهنده ظهور پیامبر اسلام (ص) است، تحریف گران مسیحی آن را به واژه دوم تغییر داده‌اند. برای توضیح بیشتر ر. ک: فصل تحریف در کتب عهدین در همین کتاب.

در ساختار گفتار دخل و تصرفی نماید، معنای آن را به سویی که مطلوب خود اوست متمایل سازد و از معنایی که صاحب گفتار دنبال کرده است، منحرف سازد. تحریفی که معاویه در سخن مشهور پیامبر اکرم (ص) خطاب به عمار یاسر «تقتلك الفئة الباغية» انجام داد و لشکر امیرمؤمنان (ع) را مصداق فئه باغیه معرفی کرد، از قبیل تحریف معنوی است. دانستی است که می‌توان جعل و وضع را از قبیل تحریف لفظی و تفسیر به رأی را از نوع تحریف معنوی قلمداد کرد.

تحریف به معنای گفته شده، شیوه متداول و شناخته شده‌ای است که همواره مورد استفاده جبهه باطل علیه جبهه حق بوده است و از این رو پیشینه‌ای دراز دارد. به استناد آیات قرآن کریم، یهود تنها امتی است که در طول تاریخ پیدایش خود بیشترین لغزش را در زمینه تحریف کلام الهی مرتکب شده است. کژاندازی یهود در زمینه تحریف آیین الهی و تحریف گفتار حق در مقابله با مسلمانان، در قرآن نشان داده شده است.

تحریف در متون وحی اسلامی

تحریف در کتاب و سنت به عنوان متون وحی آیین اسلام، به دو گونه لفظی و معنوی مقصود است.

آنچه در سنت پیامبر (ص) اتفاق افتاد، بیشتر مربوط به تحریف لفظی بوده است؛ رسول اکرم (ص) خود در حجة الوداع ضمن هشدار نسبت به تحریف لفظی، پیش‌بینی نمود. آنجا که فرمود: «قد كثرت على الكذابة و ستكثر، فمن كذب على متعمدا فليتبوء مقعده من النار»^۱ پیش از این بر من فراوان دروغ بسته‌اند و پس از این نیز فراوان دروغ خواهند بست، هر کس که از روی عمد بر من دروغ بندد، جایگاه خود را در آتش فراهم سازد».

به گواهی تاریخ کار جعل و وضع حدیث پیامبر (ص) به حدی رسید که به عنوان نمونه، هنگامی که ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری تصمیم به جمع‌آوری حدیث گرفت، خود را با انبوهی از روایات مجعول مواجه دید. خود او می‌گوید که روایات

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۸۰.

صحیح خود را که بیش از هفت هزار روایت است از میان ششصد هزار روایت برگزید. با وجود این، برخی از دانشوران اهل سنت بر ضعیف و سست بودن شماری از روایات صحیح بخاری گواهی داده‌اند.

پیامبر اکرم (ص) برای مقابله با تحریف لفظی سنت، دو راه در پیش روی امت اسلامی نهاد:

۱. مراجعه به قرآن به عنوان معیار بازشناختن احادیث سره از ناسره.

۲. مراجعه به اهل بیت (ع) به عنوان حاملان اصلی سنت و قرآن.

اما آنچه درباره قرآن به عنوان نخستین و در عین حال مهم‌ترین منبع دین‌شناسی اتفاق افتاده است، تحریف معنوی می‌باشد که در روایات از آن به «تفسیر به رأی» یاد شده است. روایاتی که از نظر برخی محدثان در حد تواتر است و رایج‌ترین مضمون آن چنین است: «من فسّر القرآن برأيه فليتبوأ مقعده من النار»^۱ هر کس قرآن را به رأی خود تفسیر نماید جایگاه خود را در آتش فراهم سازد». تفسیر به رأی به این معناست که شخص یا اشخاصی به قصد دستیابی به اهدافی شوم محتوای متن وحی را به سوی آن اهداف متمایل سازند، این معنا همان است که در تحریف معنوی مطمح نظر است.

پیدایش فرق و مذاهب مختلف در میان صفوف مسلمانان که همگی نظرگاه خود را به نحوی مستند به قرآن می‌دانند حکایت از تحریف معنوی دارد. جالب این است که در روایات رسیده از پیامبر (ص) درباره قرآن، هرگز به تحریف از نوع اول یعنی تحریف لفظی - در قالبهای جعل و وضع - اشاره نشده است.

در روایتی که از امام باقر (ع) درباره تحریف قرآن رسیده است، بر تحریف معنوی آن تصریح شده است. آنجا که می‌فرماید: «و كان من نبذهم الكتاب أن أقاموا حروفه و حرّفوا حدوده...»^۲ اینان بدین گونه قرآن را به دور افکندند که حروف (الفاظ) آن را پاس داشتند اما حدود آن را تحریف نمودند».

مسلمانان درباره وقوع تحریف معنوی در قرآن اختلافی ندارند. آنچه در میان ایشان

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۵۳.

اختلاف‌برانگیز شده، تحریف لفظی است. با این حال، همگان می‌دانند که تحریف لفظی - از نوع تحریف به افزودن - در قرآن راه نیافته است؛ زیرا چنین ادعایی مستلزم آمدن گفتاری همسان با قرآن و فروپاشی هماوردطلبی و در نتیجه بطلان اعجاز قرآن است، در این صورت بنیاد اسلام فرو خواهد ریخت؛ بنابراین محل نزاع، تحریف لفظی از نوع کاستن در قرآن است.

ابتدا باید دانست که ادعای وقوع این نوع از تحریف در قرآن، از میان هر دو فرقه عظیم اسلامی - سنی و شیعه - مدافع یا مدافعانی دارد.

زیرا اگر ادعای تحریف به معنای یادکرد روایاتی دال بر تحریف، در جوامع روایی باشد، نیک می‌دانیم که این دسته از روایات، در کتب روایی اهل سنت به مراتب بیشتر از کتب روایی شیعه منعکس شده است؛ و اگر به معنای ارائه نظرگاهی توسط اندیشمندی باشد، باز می‌دانیم که اگر در شیعه محدث نوری دست به تألیف کتاب *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب* زده است، در میان اهل سنت نیز ابن الخطیب محمد محمد عبداللطیف از دانشمندان معروف مصر با نگارش کتاب *الفرقان* بر این نظرگاه پای فشرده است. از این رو نسبت دادن ادعای تحریف به شیعه، نسبتی است ظالمانه که تنها به منظور ایجاد شکاف بین پیروان مذاهب اسلامی از سوی دشمنان دین دنبال می‌گردد.

عوامل پیدایش دیدگاه تحریف

به نظر می‌رسد سه عامل بنیادی در گزینش نظریه تحریف از سوی برخی نویسندگان نقش آفرین بوده است که عبارت‌اند از: (۱) وجود روایات تحریف؛ (۲) ابهام در تاریخ گردآوری قرآن؛ (۳) کمرنگی طرح مسئله امامت در قرآن.

در اینجا به بررسی گذرای این عوامل می‌پردازیم:

۱. وجود روایات تحریف؛ باید اذعان کنیم که شمار روایاتی که از آنها وقوع کاستی در قرآن استفاده می‌شود، در جوامع روایی فریقین قابل توجه است، اما با این حال، نظیر بسیاری دیگر از مباحث عرصه دین‌شناسی، وجود روایات نباید معیار گرایش به یک نظرگاه باشد؛ زیرا هر باریک‌اندیشی پس از بررسی لغوی و محتوایی این روایات، به زودی

به این نتیجه رهنمون می‌گردد که افزون بر ضعف و سستی سند، تعارض شدید با یکدیگر و عدم دلالت بسیاری از آنها بر مدعا، با آیات روشن قرآن مبنی بر مصونیت آن از هرگونه دخل و تصرف و کاستی ناسازگار است و به حکم اصل «عرضه روایات به قرآن و مردود بودن آنها در صورت مخالفت با قرآن» باید به دور انداخته شود؛ به همین جهت است که جز مدعیانی اندک و انگشت‌شمار، قاطبه مسلمانان و دانشوران نامی هرگز فریفته این دست از روایات نشده‌اند.

۲. ابهام در تاریخ گردآوری قرآن؛ به دلیل وجود روایات متعارض و گفتارهای گوناگون که از صحابه و تابعان در چگونگی ضبط و نگارش قرآن بر جای مانده، دو نکته اساسی در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است:

۱. با توجه به محدودیت شمار باسوادان در عصر نزول قرآن و نیز سادگی و محدودیت ابزار نگارش، آیا همه قرآن - هرچند در قالب ابزار پراکنده - در عصر پیامبر (ص) نگاشته شده یا آنکه تنها به حفظ قرآن در سینه‌ها اکتفا شده است؟

۲. آیا قرآن به شکل امروزی (اصطلاحاً بین‌الدفتین و با ترکیب کنونی)، در عصر پیامبر (ص) گردآوری شده یا آنکه پس از رحلت ایشان و طبق برخی روایات، طی چند مرحله با کوشش و نظارت صحابه چنین سرانجامی یافته است؟

در پاسخ به این دو سؤال مهم تلاشهای قابل تقدیری از سوی صاحب‌نظران علوم قرآنی تاکنون انجام یافته و نظرگاههای مختلفی ارائه شده است؛ ولی به نظر می‌رسد که رهیافت به پاسخ قطعی، به کندوکاوی همه‌جانبه به ویژه در تاریخ صدر اسلام نیاز دارد. پیداست که وجود چنین ابهاماتی در تاریخ نگارش و گردآوری قرآن برای برخی ساده‌دلان زمینه را برای گرایش به شبهه تحریف فراهم می‌سازد؛ در حالی که با وجود چنین ابهامی، این سه نکته از مسلمات تاریخ است:

۱. پیامبر اکرم (ص) در حفظ و ضبط قرآن و تشویق و ترغیب پیوسته اصحاب به فراگیری و بازخوانی متن آن، اهتمام ویژه‌ای داشته است؛ چنان‌که روایات رسیده درباره حضرت امیر (ع)، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ابی‌بن کعب و... گواه این مدعاست.

۲. نگارش آیات قرآن به محض فرود آمدن توسط کاتبان وحی، افزون بر حفظ آن

در سینه‌ها، نیز از مسلمات تاریخ است. وجود شمار قابل توجهی از کاتبان وحی و نگارش قرآن بر روی کاغذ، پوست حیوانات، سنگ صاف، چوب و... حکایت از این امر دارد. محدودیت و سادگی ابزار نگارش، نمی‌تواند مانع قابل قبولی برای نگارش باشد، باری ممکن است به علت پراکندگی متون نگارش شده، جمع‌آوری آن در یکجا دشوار بوده باشد. چنان‌که وجود مصاحف متعدد از بزرگان صحابه که تمام آیات قرآن - مطابق با مصحف موجود و بدون هیچ کم و کاست - در آن انعکاس یافته، فرد را به این نکته رهنمون می‌گردد.

۳. صحابه در حفظ و نگارش قرآن که از عشق و شیفتگی غیر قابل وصف ایشان نسبت به آیات دلکش و روح‌افزای قرآن حکایت دارد، اهتمام قابل تحسینی داشته‌اند. به گونه‌ای که به گواهی تاریخ صدها نفر در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) و هم‌زمان با رحلت ایشان قرآن را از بر داشتند. شهادت شماری از ایشان در جنگ یمامه گواه این امر است. به نظر می‌رسد با وجود این نکات روشن و مسلم درباره تاریخ نگارش و ضبط قرآن، شبهه‌ای برای رهیافت کاستی در آن باقی نمی‌ماند.

۳. کمرنگی طرح مسئله امامت در قرآن؛ برخی با توجه به این نکته که امامت رکن بنیادین اسلام است عقیده داشته‌اند که این مسئله می‌بایست با صراحت و پیدایی بیشتری در قرآن منعکس می‌شد؛ به عنوان مثال، می‌بایست نام حضرت امیر (ع) یا سایر ائمه (ع) به صراحت بازگو می‌شد تا شبهه‌ای برای کسی باقی نماند. اینان چون در مراجعه به قرآن انتظارشان برآورده نشده و احساس کرده‌اند مسئله امامت با صبغه کمی در قرآن منعکس شده است، ناخواسته به وقوع کاستی در قرآن گرایش پیدا نموده‌اند. در حالی که به عکس پندار ایشان، قرآن کریم در طرح مسئله امامت با تبیین کبری و صغرای آن، چیزی را فروگذار نکرده است. آیاتی نظیر «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»^۱ درباره طالوت و «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ»^۲ درباره حضرت یوسف (ع) و «إِنَّ خَيْرَ مَنْ

۱. بقره ۲: ۲۴۷.

۲. یوسف ۱۲: ۵۵.

اسْتَأْجَرْتُ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ^۱ درباره حضرت موسی (ع) و آیه «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^۲ با تأکید بر ضرورت برخورداری زمامدار و پیشوا از لیاقتها و شایستگیهای برتر که در سه محور: علم، تعهد و توانمندی، خلاصه می‌شود، ملاکهای گزینش رهبر را - به صورت کبرای قیاس - بیان کرده است.

چنان که با آیاتی نظیر «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۳ و «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»^۴ که به گواهی تاریخ و صدها دانشور منصف مسلمان درباره ابلاغ امامت حضرت امیر (ع) است، با تأکید بر صغرای قیاس، بر شایستگی منحصر به فرد حضرت امیر (ع) برای احراز مقام امامت تأکید کرده است. با این حال باید دانست که قرآن با توجه به اصل تمحیص و ارائه برهان تا حدّ بازیافت بیماردلان از پاک‌دلان، از صراحت بیشتر اجتناب می‌نماید؛ این امر غیر از دهها آیه‌ای است که به اذعان همه دانشوران مسلمان در شأن و تمجید حضرت امیر (ع) فرود آمده است.

وهابیت و نسبت تحریف قرآن به شیعه

با توجه به صراحت و آشکاری دیدگاه اندیشمندان شیعه درباره پیراستگی قرآن از هرگونه تحریف، دانشوران منصف اهل سنت با اذعان به مبراً بودن دامن شیعه از نسبت تحریف، هم‌صدا با شیعه بر پیراستگی قرآن تأکید کرده‌اند. ایشان به خوبی دریافته‌اند که جمع‌آوری احادیث در کتب روایی یا نگارش کتاب از یک نفر، همان‌گونه که برای اهل سنت باعث نسبت تحریف نمی‌گردد، درباره شیعه نیز مجوز چنین نسبتی نمی‌گردد.

آنچه که در دوران ما به تهمتهای ناروا علیه شیعه دامن زده است، پیدایش فرقه‌ای است به نام «وهابیت» با پیشینه‌ای کمتر از یک سده که با طرح سلسله عقایدی ویژه، از جمله

۱. قصص ۲۸: ۲۶.

۲. یونس ۱۰: ۳۵.

۳. مائده ۵: ۵۵.

۴. مائده ۵: ۶۷.

حرمت زیارت قبور، ممنوعیت شفاعت‌خواهی و... به مخالفت با دیدگاه تمام مسلمانان برخاسته‌اند، نوک پیکان حمله این فرقه گمراه که بیشتر از طرف استکبار جهانی حمایت می‌شود به سوی عقاید حقه شیعه است. اینان برای دستیابی به هدف شوم خود به رغم آنکه از آراء صدها اندیشمند شیعه از عصر مرحوم مفید تا دوره چهره‌های علمی معاصر همچون امام خمینی (ره) و آیت‌الله خویی (ره) مبنی بر نفی صریح تحریف قرآن آگاه‌اند با انتشار کتاب *فصل الخطاب* نگاهشسته محدث نوری و انتساب آن به تمام شیعه، درصدد مشوه ساختن چهره این مذهب در نگاه مسلمانان جهان می‌باشند.

تلاش دانشوران شیعه در دفاع از پیراستگی قرآن از تحریف دانشوران شیعه به هدف حفظ و حراست از کیان قرآن و نیز مقابله با احتمال نسبت تحریف به شیعه، از روز نخست با شیوه‌های گوناگون با ابراز نظرگاههای آشکار خود، از عقیده «پیراستگی قرآن از تحریف» دفاع کرده‌اند. برخی در لابه‌لای کتابهای خود در پاسخ به سؤالات، یا به قصد یادکرد عقاید شیعه، یا در مقدمه تفاسیر، به تبیین دیدگاه شیعه در این زمینه پرداخته‌اند و پاره‌ای نیز با اختصاص نگاهشسته‌های مستقل در این راه گام برداشته‌اند. در اینجا مناسب است برخی از نگاهشسته‌های دانشوران شیعه را به صورت گذرا یاد کنیم.

نگاهی گذرا به برخی از نگاهشسته‌های دانشوران شیعه در رد شبهه تحریف

۱. *التحقیق فی نفی الحریف عن القرآن الشریف*، نگاهشسته سید علی میلانی، در این کتاب پس از گزارش دیدگاههای دانشوران شیعه در زمینه نفی تحریف، به دلایل مدعیان آن پرداخته و نسبتهای ناروا به دانشمندان شیعه را به نقد کشیده و آنگاه به نقد و بررسی روایات تحریف پرداخته است.

۲. *البرهان فی عدم تحریف القرآن*، نگاهشسته میرزا مهدی بروجردی؛ در این کتاب نیز افزون بر مناقشه با ادله قائلان به تحریف، با یادکرد نظرگاههای اندیشمندان شیعه، بر پیراستگی دامان این مذهب از نسبت تحریف، تأکید شده است. استاد معرفت (حفظه‌الله) در

موارد مختلفی از کتاب خود از این کتاب نام برده است. برای نمونه ر. ک: صفحات ۳۸ و ۵۲ از کتاب *صیانة القرآن من التحریف*.

۳. *فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب*، نگاشته استاد حسن حسن زاده آملی. همان گونه که از نام کتاب هویداست، ایشان این کتاب را در رد کتاب محدث نوری نگاشته‌اند. ایشان در این کتاب، با تأکید بر این نکته که قرآن به شکل امروزی در عصر پیامبر اکرم (ص) تدوین یافته است، دلایل مدعیان تحریف را به نقد کشیده‌اند. این کتاب توسط عبدالعلی محمدی شاهرودی به فارسی ترجمه شده و با عنوان *قرآن هرگز تحریف نشده* چاپ شده است.

۴. *اكدویة التحریف بین الشیعة و السنة*، نگاشته رسول جعفریان، در این کتاب پس از بیان معنای تحریف و دلایل رد شبهه تحریف، به چگونگی آن بین اهل سنت و شیعه پرداخته و با یادکرد مسئله مصاحف، مصحف حضرت امیر (ع) و فاطمه (س) مورد بررسی قرار گرفته است.

این کتاب توسط محمود شریفی ترجمه شده و با عنوان *افسانه تحریف قرآن* چاپ شده است.

۵. *افسانه تحریف قرآن*، نگاشته سید احمد مهدوی (فخر کرمانی)، مؤلف چنان که خود در مقدمه آورده کتاب خود را با استفاده از فصل *صیانة القرآن من التحریف* که در کتاب *البیان آیت الله خویی* (ره) آمده و نیز جلد دوازدهم *تفسیر المیزان* علامه طباطبایی به رشته تحریر در آورده است. در این کتاب ضمن بررسی تاریخ تدوین قرآن با تأکید بر باقی بودن اوصاف قرآن در مصحف کنونی، دلایل مدعیان تحریف مورد نقد قرار گرفته است.

گذشته از کتابهای مذکور و کتابهای دیگر از این دست که به طور مستقل به موضوع عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند، بسیاری از بزرگان شیعه در لابه‌لای کتابهای خود به بررسی این مسئله پرداخته‌اند. به عنوان مثال شیخ محمدجواد بلاغی در مقدمه تفسیر خود با نام *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن و آیت الله خویی* در مقدمه کتاب *ارزشمند البیان فی*

تفسیر القرآن و علامه طباطبایی در تفسیر گرانسنگ المیزان و... ضمن مباحثی مبسوط، راه یافتن هرگونه تحریف و تبدیل را در قرآن رد نموده و با تکیه بر دلایل عقلی و نقلی شبهات مدعیان تحریف را پاسخ داده‌اند. خدایشان پاداش خیر دهد.

نگاهی به کتاب صیانة القرآن من التحریف

استاد محقق آیت‌الله معرفت که با صرف سالیان دراز به تحقیق و پژوهش در زمینه علوم معارف قرآنی پرداخته و دوره کتاب گرانسنگ التمهید فی علوم القرآن گواه صدق ژرفا و گستره تحقیقات ایشان است، با عنایت به ضرورت نگارش یک اثر جامع در شرایط کنونی برای حراست از حریم قرآن و نیز دفاع از پیراستگی دامن شیعه از تهمت تحریف، کتاب حاضر را نگاشته‌اند. در این کتاب:

۱. دلایل رد شبهه تحریف به طور کامل مورد ارزیابی قرار گرفته است.
۲. ضمن یادکرد نظر گاه‌های شمار قابل توجهی از دانشوران تشیع بر موضع صریح ایشان بر رد شبهه تحریف تأکید شده است.
۳. با عرضه دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان اهل سنت، مبنی بر پیراستگی دامن شیعه از شبهه تحریف بر جدایی صف امثال وهابیت از صف مسلمانان پای فشرده است.
۴. با ارائه نمونه‌هایی از روایات دال بر تحریف که در کتب روایی معتبر اهل سنت آمده و نیز معرفی کتاب الفرقان فی تحریف القرآن نگاشته ابن الخطیب بر این نکته تأکید شده که یادکرد روایات در کتب روایی شیعه و نیز نگارش کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب نگاشته محدث نوری، تهمت تحریف را متوجه مذهب شیعه نمی‌سازد.
۵. با یادکرد دلایل مدعیان تحریف، به نقد و بررسی علمی و محققانه آنان پرداخته است.

به علت ویژگی‌های گفته شده است که مترجم با همه ارج‌گزاری به سایر نگاشته‌ها در این خصوص، این کتاب را در زمینه رد شبهه تحریف جامع‌تر می‌شناسد.

ترجمه حاضر

مترجم این اثر گرانسنگ افتخار دارد که سالیانی چند از خرمن دانش استاد فرزانه حضرت

آیت‌الله معرفت (حفظه‌الله) خوشه‌چینی کرده است. در یکی از این سالها که حضرت ایشان مبحث پیراستگی قرآن از تحریف را بر اساس کتاب خود با عنوان *صيانة القرآن من التحريف افاضه* می‌نمودند، فکر ترجمه این کتاب بر خاطر من گذشت؛ این اندیشه زمانی تقویت شد که توسط برخی از دوستان مبلغ اطلاع یافتم که تبلیغات مسموم و گسترده وهابیت علیه شیعه در برخی از کشورهای همجوار فارسی زبان بر محور انتساب شیعه به پذیرش تحریف در قرآن استوار است. تمهید زمینه لازم برای استفاده هموطنان دانش دوست از محتوای این کتاب دومین انگیزه اقدام به ترجمه این کتاب بود. بدین ترتیب پیش از طرح این اندیشه در محضر استاد، بخشی از کتاب را ترجمه و به ایشان ارائه کردم. ایشان با استقبال از سبک ترجمه، مترجم را به تکمیل کار تشویق شایان نمودند. افزون بر راهنماییهای مؤثر و راهگشا، تمام ترجمه را مورد مطالعه قرار داده و مطالبی بر آن افزودند.

مترجم ضمن اعتراف به بضاعت مزاجه خود، امیدوار است ترجمه‌ای قابل قبول از کتاب استاد ارجمند خود برای ارباب فضیلت و کمال ارائه نموده باشد. تذکر این نکته را لازم می‌بینم که در ترجمه آیات قرآن عموماً از ترجمه استاد فولادوند بهره جسته‌ام.

در پایان از استاد ارجمندم که افتخار ترجمه این کتاب را نصیب اینجانب کردند و از جناب آقای علی نوری خاتونبانی که زحمت و پیراستاری آن را متقبل شدند و نیز کلیه کسانی که زمینه انتشار این ترجمه را فراهم کردند سپاسگزاری می‌نمایم و امیدوارم چنان که متن اصلی این کتاب با استواری تمام، متضمن دفاع از حریم مقدس قرآن کریم و پیراستگی دامان تشیع از تهمت تحریف قرآن است، ترجمه آن نیز در حد خود در توسعه و تعمیم این برکات، اقدامی مؤثر و مرضی خداوند باشد.

ولله الحمد

مشهد مقدس - آبان ماه ۱۳۷۶

پیشگفتار

نسبت تحریف به قرآن نسبت ظالمانه‌ای است که نص صریح وحی از آن بیزار است؛ زیرا بقا و سلامت آن در همه زمانها تضمین شده است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱ همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و ما نگاهبان آن خواهیم بود»^۲.

تحریف قرآن نسبتی است کورکورانه و در عین حال کهنه و فرسوده که به زمان اختلاف صاحبان مصحفهای نخستین بازمی‌گردد. زمانی که رقابت تنگاتنگ برای نگارش متن و تهجی و قرائت قرآن در جریان بوده و هر دسته‌ای هجاء و قرائت خود را درست انگاشته و آنچه را نزد دیگران بوده باطل می‌شمرده است، این جریان ادامه داشت تا آنکه در دوره عثمان، مصحفها به دست عده‌ای که شایستگی انجام این مهم را نداشتند یکدست شد و اختلافاتی در رسم الخط قرآن رخ نمود و همان‌گونه که در التمهید^۳ بیان کرده‌ایم، اختلاف در نسخه‌های مصاحف در قیاس با مصحف امّ [= اصل و مرجع] که در مدینه نگهداری می‌شد پدیدار گشت. در کنار این اختلاف، برخی از صحابه و تابعان نسخه‌های مصاحف و هجاء قرائت را به باد انتقاد گرفتند. در این میان بیشترین انتقادهای آن ابن مسعود، عایشه و ابن عباس و جمعی دیگر از همدستان ایشان - از صحابه و تابعان - بود. روایتها و حکایت‌هایی از آن مشاجره‌های لفظی باقی ماند که «حشویه»^۴ ولع و اشتیاق زیادی

۱. حجر ۱۵: ۹.

۲. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۳. ر. ک: محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، جلد اول.

۴. حشو در لغت به معنای چیزهایی از پنبه و پشم و غیر آن است که لحاف و بالش و تشک را با آن پر می‌کنند. حشویه در اسلام لقب تحقیر آمیزی است که بعضی از علمای کلام اسلام مانند علمای معتزله به اصحاب حدیث دادند؛ زیرا اصحاب حدیث غالباً قائل به تجسم و تشبیه خداوند بودند. دیگر ←

نسبت به نقل و ضبط و نگارش آنها در مهم‌ترین منابع روایی خود از خود نشان دادند و بدین ترتیب مشکل وجود تحریف در متن قرآن را ایجاد کردند. آنچه بیشتر به این غوغا دامن می‌زد و باعث نشر چنین اباطیلی می‌شد، نغمه‌های کفرآمیزی بود که صاحبان اندیشه‌های خام جاهلی می‌نواختند تا بدین طرق شوکت اسلام را درهم شکنند و از کرامت و پیراستگی قرآن بکاهند هرچند به لطف الهی هرگز آرزوی باطلشان به حقیقت نپیوست. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُّورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۱.

خوارزمی^۲ می‌گوید: «نه به دفن و نابودی یک حدیث از احادیث پیامبر موفق شدند و نه به تحریف یک آیه از آیات الهی دست یافتند»^۳ با این حال پاره‌ای از محققان درصدد برآمدند که با راههای فنی، مشکل این روایات را حل کنند؛ اما چون به صحت و درستی سند آنها و صراحت دلالتشان به وقوع تحریف در قرآن مستلزم شدند تلاششان ثمری نداد و سرانجام، به تراشیدن مسئله «نسخ التلاوه» ناگزیر شدند در حالی که نادرستی این نوع نسخ، بر اساس قواعد علم مبرهن گشته است، پس چاره‌ای نیست؛ یا باید این روایات را با همه پیامدهایش به گردن گرفت و طبق آن فتوا داد؛ همان‌گونه که گروهی به گمان اینکه اسانید آن صحیح است چنین کردند، یا اینکه وقتی قابلیت تأویل را ندارند آنها را به کلی دور انداخت. به این دلیل، ابن حزم اندلسی با آنکه فقیه با بصیرتی است، «رجم» را مستند به قرآن می‌داند و در این باره به روایتی استناد می‌کند که آن را از ابی بن کعب چنین نقل

→ آنکه حشویه را از آن جهت به این لقب خواندند که احادیث روایت شده از رسول خدا را که اصل و اساس درستی ندارند بدون تحقیق در کلام خود وارد کنند. ر. ک: محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۱۵۸ و ۱۵۹ (مترجم).

۱. «می‌خواهند فروغ الهی را با دهانشان خاموش سازند خدای فروغ خود را کمال بخشد هرچند کافران را ناپسند آید». صف ۶۱: ۸.

۲. ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی، در اصل از آمل مازندران بوده است، او مدعی بود که ابوجعفر ابن جریر طبری صاحب تاریخ و تفسیر، دایی اوست و در این باره چنین سروده است: «ولادت من در آمل است و پسران جریر داییهای من هستند و مرد آینه دایی خود است. من از روی میراث‌بری رافضی هستم در حالی که دیگران از روی کلاله رافضی هستند». معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۷.

۳. محمد خوارزمی، رسائل، ص ۱۱۷.

کرده است: «[گفت:] سوره احزاب را چند آیه می‌انگارید؟ بدو گفتند: هفتاد و سه یا چهار آیه؛ گفت چگونه چنین است در حالی که این سوره با سوره بقره هم‌سنگ، بلکه بزرگ‌تر بوده است و در آن آیه رجم بدین مضمون موجود بوده است: «إِذَا زَنِی السَّیِّخِ أَوْ السَّیِّخَةِ فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ؛ هرگاه پیرمرد یا پیرزنی به فساد دامن آلود او را سنگسار کنید که کیفر خداوند بر آنان است، همانا خداوند عزیز و حکیم است». ابن حزم می‌گوید: «سند این روایت چون آفتاب روشن است و از این رو قابل تردید نیست. - آنگاه می‌افزاید: - هر چند این آیه از جمله آیاتی است که عبارت آن نسخ شده است؛ حکم آن باقی است». ^۱ در فصلهای آتی درباره برهان نادرست ابن حزم سخن به میان خواهیم آورد. ^۲

هم او در مسئله تعیین مقدار شیر خوردن که موجب محرمیت می‌شود چنین می‌گوید: «کسانی که مدعی اند به کمتر از پنج بار شیر خوردن محرمیت رضاعی تحقق نمی‌یابد به روایتی از ام‌المؤمنین عایشه از طریق حمّاد و عبدالرحمان از عروه استناد جسته‌اند که گفته است: در قرآن نخست چنین نازل شد: «أَنْ لَا یَحْرَمَ إِلَّا عَشْرَ رَضَعَاتٍ؛ محرمیت نمی‌آورد مگر ده بار شیر دادن»؛ اما پس از آن چنین نازل شد: «خمس معلومات؛ پنج بار شیر دادن معلوم [محرمیت می‌آورد]». در عبارت عبدالرحمان چنین آمده است: از جمله آیاتی که نازل شد و سپس نسخ گردید، آیه «لَا یَحْرَمُ مِنَ الرُّضَاعِ إِلَّا عَشْرَ رَضَعَاتٍ» بود که به دنبال آن «خمس معلومات» نازل گشت، عایشه می‌افزاید: «تا پیامبر زنده بود این آیات قرآن تلاوت می‌شد».

ابن حزم گوید: «این دو روایت از جهت صحت و جلالت و وثاقت راویان آن در عالی‌ترین درجه قرار دارد لذا کسی را نشاید که از آنها دست شوید». سپس اشکالی به این مضمون را مطرح می‌کند که چگونه ممکن است چیزی از قرآن پس از رحلت پیامبر ساقط شده باشد؟ این کار، در پیشگاه قرآن جرم بزرگی است. آنگاه خود در مقام پاسخ

۱. المحلّی، ج ۱۱، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۲. گفتنی است که او اول کسی است که شیعه را متهم به قول تحریف کرده و به ستم و دروغ ایشان را دشنام داده در حالی که با پذیرش این رأی خود به این ناسزاگوییها سزاوارتر است. ر. ک: الفصل فی الملل والنحل، ج ۴، ص ۱۸۲.

بر آمده، چنین عذر می‌تراشد که آنچه از آن ساقط شده، نوشتارش در مصاحف بود اما حکم آن همچنان باقی ماند؛ دقیقاً مثل آیه رجم.^۱ پر واضح است این گونه عذر تراشی قابل پذیرش نیست.

این گونه روایتها و برداشتها موجب گردید تا برخی از پیشینیان امثال محیی‌الدین ابن عربی فریفته آن گردند و به تحریف قرآن نظر دهند.

شیخ محیی‌الدین ابن عربی (م ۶۳۸) در کتاب فتوحات مکیه به تحریف قرآن نظر داده است و در قرآنی که عثمان فراهم آورد، کاستی قائل شده و چنین گفته است: «برخی از اهل مکاشفه چنین پندارند که از مصحف عثمان بسیاری از آیات منسوخه ساقط گردیده است؛ - همچنین گفته است: - اگر پیامبر خود متصدی جمع و تألیف قرآن گردیده بود و این گونه آیات را اسقاط می‌فرمود، سخنی نبود و آن را به طور کامل [و] برای همیشه می‌پذیرفتیم. - نیز چنین گفته است: - اگر برخی کوتاه‌اندیشان نبودند و [اگر به منزله] نهادن حکمت در غیر محل مناسب نبود، هر آینه آنچه را که از مصحف عثمانی ساقط گردیده است بیان می‌کردم. آری، در محتوای کنونی مصحف عثمانی تردید نیست».

شعرانی می‌گوید: «ولی در کتاب فتوحات مصریه گفته است که اجماع امت بر این مصحف است و می‌گویند چیزی از آن ساقط نگردیده است».^۲

با کمال تأسف برخی از متأخران نیز همچون نویسنده کتاب الفرقان به این گونه روایات فریفته شدند. او کتاب خود را با قصه‌هایی از همین روایات و حکایت‌های پیشین آراست و غوغای گوشخراشی را در دیار مصر آغاز کرد. ان‌شاءالله در همین کتاب متعرض آن خواهیم شد،^۳ اما در مقابل، فقهای امامیه بر این اوهام مشحون از خرافات خط بطلان کشیدند و بهایی - هرچند اندک - برای آنها قائل نشدند و هرگز در فقه و فتوا دادن بدان تکیه نکردند.^۴

۱. المحلی، ج ۱۰، ص ۱۴ و ۱۶.

۲. ر. ک: عبدالوهاب شعرانی، البیواقیت و الجواهر، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳. فصل هفتم، شماره ۲۶.

۴. در بین فقهای امامیه در گذشته و حال، هرگز کسی را نمی‌یابید که به ظاهر این گونه روایات پوچ و بی‌اساس فریفته شده باشد.

تصمیم ما در گذشته بر آن بود که گفتار خود را پیرامون پندار کهن تحریف که در عالم اعتبار از هیچ ارزشی برخوردار نیست بازگیریم و در این خصوص سخن نگوئیم و این مسئله را به عقل که به پوچی این گونه اباطیل حکم می‌کند وانهییم. خرافاتی که قداست و پاکی قرآن کریم از آن بیزار است. «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^۱ به راستی قرآن کتابی است بلندمرتبه که باطل از هیچ سوئی - نه از پیش و نه از پس - به آن راه ندارد و آن از جانب خداوند حکیم و ستوده فرو فرستاده شده است، اما وقتی به پاره‌ای از نوشتارها^۲ برخوردیم که با متوجه ساختن تهمت‌های ناروا به مهم‌ترین طائفه مسلمین یعنی شیعه امامیه و با نسبت دادن تحریف قرآن به ایشان - با آنکه دامن شیعه از چنین نسبت‌هایی پاک و پیراسته است -^۳ برای برهم زدن وحدت مسلمین می‌کوشید، بر خود وظیفه دانستم با دو هدف به رد چنین خطای فاحشی برخیزم:

اولاً برای دفاع از قداست و پیراستگی قرآن کریم؛ ثانیاً برای رسوا ساختن چنین تهمت‌های ناروایی که به یک امت بزرگ اسلامی متوجه شده است؛ امتی که همواره در پاسبانی از حریم اسلام کوشیده و در طول تاریخ با تمام وجود در مقابل دشمنان آن ایستادگی کرده است.

این هدفی است که به دنبال آنم؛ خداوند از نیات همگان آگاه و نیکو یآوری است.

۱. فصلت ۴۱: ۴۱ و ۴۲.

۲. در این اواخر رهزین از هند (احسان الهی ظهیر) در تلاش برای تفرقه انداختن میان مسلمانان، تهمت‌هایی ناروا را که بی‌تردید در جهت منافع استعمارگران ضد دین است متوجه شیعه امامیه ساخته است، خداوند هم قبل از آنکه به عذاب آخرت معذّبش سازد، در همین دنیا در حادثه انفجار مهیبی به آتش قهر سوزاند.

۳. به زودی گفتار اشعری خواهد آمد که دامان شیعه امامیه (یعنی قائلان به عدل و امامت) را از تهمت قول به تحریف چه به فزونی و چه به کاستی و چه به تبدیل مبری دانسته است. مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰.